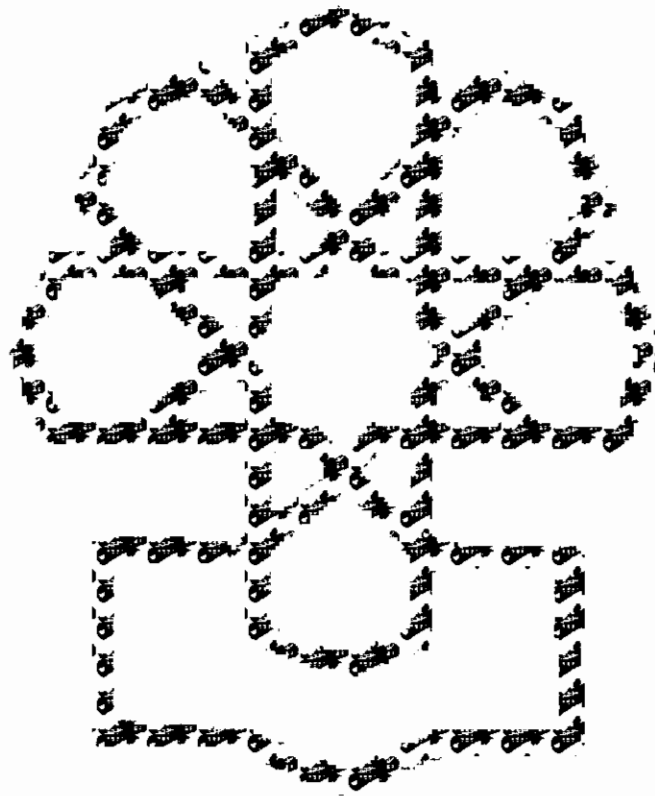




ایران و نظام بین‌الملل چالش‌ها و راه‌کارها



معاونت پژوهشی
اردیبهشت ۱۳۷۹

کار: دفتر مطالعات سیاسی و اجتماعی

کد گزارش: ۴۱۰۵۵۲۹

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۲	سؤالات
۳	فرضیات
۳	فصل اول - ساختار نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد
۳	ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی (سابق)
۵	فصل دوم - جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌المللی
۵	سیستم بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران
۶	سیستم منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران (خلیج فارس)
۶	سازمان‌های منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران
۶	سیستم منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران (خاورمیانه)
۷	سیستم منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران (دریای خزر)
۷	فصل سوم - چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و راه‌کارهای آن
۷	چالش‌های ایدئولوژیک
۸	چالش‌های ژئوپولیتیک
۸	چالش‌های ژئواکونومیک
۹	چالش‌های ژئواستراتژیک
۹	راه‌کارهایی جهت کاهش سطوح تعارضات موجود در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

سیستم بین‌المللی^۱ و تعاملات^۲ موجود بین آکتورهای اصلی و فرعی در «عصر جنگ سرد» مبتنی بر سلسله مراتبی و قطبی بودن، بود و شعاع ادراکات خارجی دولت‌ها^۳ تحت الشعاع تقابل متعارض ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک دو ابرقدرت ایالات متحده و اتحاد شوروی (سابق) بود.

در این چارچوب، ابعاد سخت^۴ قدرت به شکل قدرت عریان نمایان بود و قلمرو فعالیت مستقل احتمالی کشورهای عضو دو بلوک شرق و غرب بسیار محدود بود و حتی جنبش غیرمتحدها^۵ نیز فاقد پشتوانه کافی برای پیشبرد اهداف جهان سومی در دیالوگ‌های بین‌المللی بوده است.

اما با فروپاشی اتحاد شوروی و خاتمه جنگ سرد، نظام بین‌المللی از لحاظ عنصر نظامی تک قطبی و از لحاظ عنصر اقتصادی - تجاری چندقطبی شده است و ابعاد نرم^۶ قدرت جانشین ابعاد سخت قدرت شده است، نظام بین‌المللی دیگر سلسله مراتبی نیست و فضای کافی بین‌المللی برای فعالیت آکتورهای غیردولتی به وجود آمده و سازمان ملل متحد از پشتوانه قوی برای احراز صلح و امنیت بین‌المللی برخوردار شده است.

در چنین شرایطی مرزهای سنتی و قلمروهای کلاسیک دولت - ملت‌ها^۷ کاهش پیدا کرده و نیازهای ملی به تنهایی از سوی دولت‌ها دست نیافتنی است و گسترش همکاری‌های فنی، اقتصادی، تجاری و غیره بین کشورها و سایر بازیگران غیردولتی می‌تواند ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را تحکیم بخشد.

در این میان جمهوری اسلامی ایران به لحاظ اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک از قدرت چانه‌زنی برتری در دو منطقه حساس و استراتژیک خزر و خلیج فارس برخوردار است. ایران به دنبال تأمین منافع ملی^۸ در راستای تنش زدایی^۹ و گفتگوی تمدن‌ها^{۱۰} و افزایش سطوح تعاملات با آکتورهای غیردولتی و میان^{۱۱} ملتی است.

با عنایت به این مطالب، این نوشتار سعی دارد تا با طرح سؤال و فرضیاتی در راستای رهیافت‌ها و تئوری‌های استنادی ضمن پردازش به شرایط محیط سیاسی و امنیتی خارجی جمهوری اسلامی ایران به چشم اندازهای آن نیز اشاره خواهد شد.

سؤالات

۱- آیا شرایط وقت بین‌المللی موجب تغییر در جهت‌گیری و گفتمان‌های، سیاست و روابط خارجی کشورها شده است؟

۲- در این شرایط، جایگاه و چشم انداز سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

1. International System.
2. Interactions.
3. States.
4. Hard Power.
5. NAM.
6. Soft Power.
7. Nation - States.
8. National Interests.
9. Detente.
10. Civilization Dialogues.
11. Internation Actors.

فرضیات

۱- جهانی شدن^۱ و گسترش تعاملات فراملی^۲ موجب تغییر گفتمان‌های سیاست و روابط خارجی کشورها شده است.

۲- شرایط وقت بین‌المللی موجب شده تا جمهوری اسلامی ایران در دو راستای تنش زدایی و گفتگوی تمدن‌ها از موقعیت برتری در سیستم بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار باشد.

فصل اول- ساختار نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد

ساختار جهانی یا سیستم بین‌المللی دوران جنگ سرد اساساً دو قطبی بود. به عبارت دیگر ساختار جهانی قدرت در دوران تقابل دو ابرقدرت، بیشتر بر بُعد سخت قدرت^۳ استوار بود و سیاست بین‌المللی، سیاست قدرت^۴ نامیده می‌شد. کشورها در یک نظام سلسله مراتب بین‌المللی آرایش پیدا کرده بودند و راه سوم همانا سیاست عدم تعهد^۵ محسوب می‌شد که نمود عینی این سیاست در دوران جنگ سرد از کارایی قابل توجهی برخوردار نبود. سازمان ملل متحد نیز در عرصه بین‌المللی تابع اختیارات نامحدود پنج عضو دائم شورای امنیت بود و بیشتر مناطق حساس و استراتژیک جهانی شاهد تقابل ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک دو ابرقدرت بود.

ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

اما ساختار فعلی جهانی در مقایسه با دوران مذکور بسیار متفاوت است. عده‌ای بر این باورند که ساختار فعلی سیاسی بین‌المللی مجموعه‌ای نامتجانس و عجیب از دو سیستم تک قطبی و چند قطبی است با یک ابرقدرت و تعداد زیادی از قدرت‌های عمده. این قدرت‌ها مجموعه آلمان و فرانسه در اروپا، روسیه در اروپا - آسیا، چین و ژاپن در شرق آسیا، هندوستان در جنوب آسیا، ایران در جنوب غربی آسیا، برزیل در امریکای لاتین و آفریقای جنوبی و نیجریه در آفریقا را شامل می‌شوند.

بی‌شک در چنین سیستم بین‌المللی مجموعه تعارضاتی علیه سیاست هژمونیک امریکا صورت گرفته است و سیاست ماکرو و کلان^۶ امریکا با سیاست میکرو و خرد^۷ قدرت‌های منطقه‌ای در تعارض شدید خواهد بود. یکی از کانون‌های متعارض این دو سیاست، بعد نرم قدرت^۸ می‌باشد. به عبارت دیگر دستیابی به قدرت برتر تجاری و تکنولوژی، برخی از مناطق حساس جهانی را دستخوش تعارضات جدیدی ساخته است.

درکنار این مسائل، مؤلفه‌های جدید بین‌المللی همزمان با خاتمه جنگ سرد در دستور کار سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های ذینفوذ بین‌المللی قرار گرفته است. ضمانت اجرایی این نورم‌های

1. Globalization.
2. Trans - National Interactions.
3. Hard Power.
4. Power Politics.
5. Non - Alignment Political.
6. Macro Politics.
7. Micro Politics.
8. Soft Power.

بین‌المللی اعضای دائم شورای امنیت ملل متحد و در رأس آن ایالات متحده امریکا است. بسیاری از اقدامات بین‌المللی تحت عنوان مداخلات بشر دوستانه^۱ به نقص حاکمیت ملی^۲ کشورهای در حال رشد انجامیده است.

همچنین گسترش و تعدد فعالیت سازمان‌های تجاری منطقه‌ای در مقابل سازمان‌های نظامی منطقه‌ای کشورها را به همکاری و رقابت تجاری سوق داده است. پس از فروپاشی شوروی و کاهش اهمیت نظامی مسائل اقتصادی، تجاری، فنی و تکنولوژیکی اهمیت قابل توجهی یافته‌اند تا جایی که کشورها در تعامل با سازمان‌های تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی دولتی و غیردولتی مترصد رفع نیازهای ملی خویش هستند.

یکی از مؤلفه‌های جدید نظام بین‌المللی ورود شخص به حقوق بین‌الملل و توجه جامعه بین‌المللی برای احقاق حقوق از دست رفته ملی و بین‌المللی است. تعقیب جنایتکاران جنگی بوسنی، کوزوو، رواندا و تیمور شرقی و تشکیل دادگاه جزائی بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم جنگی از نمونه‌های بارز این نوع مؤلفه‌هاست.

به نظر می‌رسد که منافع بشری به تدریج جانشین منافع ملی می‌شود و جامعه بین‌المللی به مسائل حساس جهانی براساس بازی با حاصل جمع صفر نمی‌نگرد و امنیت دست جمعی^۳ را بستر مناسبی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌پندارد. یکی از عللی که جامعه بین‌المللی به مسائل حساس جهانی با حاصل جمع صفر نمی‌نگرد وجود پیوندهای مستحکم وابستگی متقابل^۴ است. افزایش وابستگی متقابل درک همه جانبه‌ای از مسائل مهم بین‌المللی به وجود آورده است.

جامعه بین‌المللی برای تداوم ثبات بین‌المللی به تدوین^۵ و توسعه^۶ انواع رژیم‌های بین‌المللی^۷ برای نظارت بر رفتار دولت‌ها در عرصه خارجی پرداخته است. سازمان ملل متحد و کمیسیون‌های تابعه تخصصی به تدوین و توسعه انواع رژیم‌های بین‌المللی ناظر بر رفتار و ادراکات بین‌المللی می‌پردازند.

به نظر می‌رسد که فضای سیاسی بین‌المللی بیشتر فضای نور ماتيو سیاسی مشتمل بر انواع نورم‌ها، قواعد، اصول و مبانی بین‌المللی است. یکی از مقولات موجود در این فضا بحث رعایت حقوق بشر و گسترش تجارت بین‌المللی است تا جایی که یکی از مبانی موجود در اساسنامه سازمان جهانی تجارت جهت عضویت کشورها به گسترش تجارت بین‌المللی، شرط رعایت موازین حقوق بشر است.

سازمان‌های فراملی^۸ چون شرکت‌های چند ملیتی^۹ اکنون قادرند فراتر از توانایی دولت‌ها به تسریع جهانی شدن^{۱۰} سرمایه یا تکنولوژی و تجارت بپردازند. عده‌ای معتقدند که در عصر جهانی شدن ما با پایان جغرافیا و فرامرزی بودن روبه‌رو هستیم.

1. Humanitarian Interventions.

2. National Sovereignty.

3. Collective Security.

4. Interdependency.

5. Codification.

6. Development.

7. International Regimes.

8. Trans-National Organisations.

9. MNC.

10. Globalization.

فصل دوم - جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌المللی

برای ترسیم جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌المللی باید در وهله اول به کالبد شکافی ساختار نظام جهانی پرداخت و آنگاه به بررسی رفتار و ادراکات خارجی جمهوری اسلامی ایران در انواع حوزه‌های خارجی اهتمام ورزید. برای این منظور نظام بین‌المللی عصر پس از جنگ سرد از لحاظ نظامی تک قطبی و از نظر تجاری و تکنولوژی چند قطبی است.

در بحث تک قطبی موقعیت ژئوپولیتیک و توانایی‌های نظامی ملاک عمل می‌باشد در بحث چند قطبی موقعیت ژئواکونومیک و ابعاد نرم قدرت مطرح می‌شود. موقعیت جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی ایران اهمیت نفت و سیاست نفتی در این دو نوع نگرش سیستمیک جهانی مطرح است.

چنانچه نظام بین‌الملل که متشکل از انواع پیوندهای سیاسی، اقتصادی، تجاری، فنی، تکنولوژیکی و مالی موسوم به «وابستگی مقابل»^۱ تعریف کنیم در این صورت عناصر دو سویه این پیوندها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دولتی و غیردولتی^۲ هستند. بدیهی است که هر کشوری که از تمام ابعاد قدرت فصل مشترکی داشته باشد، از موقعیت برتری در دیالوگ بین‌المللی برخوردار خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران با عنایت به موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک و سوابق تاریخی، مذهبی و فرهنگی می‌تواند از موقعیت برتری در تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار باشد. برای ترسیم این جایگاه باید حوزه‌های رفتار و ادراکات خارجی جمهوری اسلامی ایران که با توجه به ماهیت و ساختار نظام بین‌المللی تقسیم‌بندی کرد و آنگاه به جایگاه مذکور در هر یک از حوزه‌ها پرداخت.

سیستم بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با عنایت به سوابق درخشان و قدمت تاریخی، مذهبی و فرهنگی و با توجه به فضای سیاسی نورماتیو جهانی که همزمان با طرح گفتگوی تمدن‌ها و تنش‌زدایی^۳ ایران شده، می‌تواند در یکی از طرف‌های قدرتمند تعاملات فرهنگی بین‌المللی قرار گیرد.

سازمان ملل متحد و برخی سازمان‌های تخصصی این سازمان و حتی سازمان‌های مشابه دولتی و غیردولتی مایل هستند که با توجه به مبانی فرهنگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به گسترش مؤلفه‌های فرهنگ بین‌المللی جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بپردازند.

یکی از اهداف مهم گفتگوی تمدن‌ها و تنش‌زدایی جمهوری اسلامی ایران کاهش سطوح تعارضات منطقه‌ای و بین‌المللی و تسری اصل همکاری^۴ به سایر حوزه‌های سیاست خارجی کشورها است. سازمان ملل متحد نیز سال ۲۰۰۱ که سال گفتگوی تمدن‌ها نامیده و یونسکو که از بازوهای قدرتمند فرهنگی بین‌المللی این سازمان است، می‌تواند همکاری تنگاتنگی با جمهوری اسلامی ایران در تسری تعاملات فنی، فرهنگی و اجتماعی در منطقه داشته باشد.

1. Interclepenency.

2. States and NGo and IGo Regional and International Organisations.

3. Detente.

4. Cooperation.

سیستم منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران (خلیج فارس)

موقعیت برتر ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران، جمهوری اسلامی ایران را از زمره کشورهای محوری^۱ در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه قرار داده است. تنش زدایی دولت جمهوری اسلامی ایران تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در دو سوی منطقه خلیج فارس ارتقا بخشیده است. دیپلماسی اعتمادسازی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه موجب جلب رضایت کشورهای ذینفوذ منطقه‌ای شده تا جایی که ایران در کانون تشریک مساعی کشورهای منطقه واقع شده است. تدوین و توسعه فرمول امنیتی منطقه‌ای در خلیج فارس از سوی جمهوری اسلامی ایران بستر مناسبات گسترده سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه را با ایران تسری و تسریع بخشیده و افزایش قیمت نفت را می‌توان اوج تشریک مساعی کشورهای عضو اوپک^۲ با جمهوری اسلامی ایران دانست.

سازمان‌های منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران

شاید بستر جدید مناسبات جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های تخصصی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و مذهبی - دینی که در قالب تنش زدایی، تشریک مساعی و دیپلماسی اعتماد سازی است، موجب شده تا جمهوری اسلامی ایران نقش با اهمیتی در اکو، اوپک و سازمان کنفرانس اسلامی داشته باشد. تشریک مساعی فعلی ایران در اوپک باعث تثبیت قیمت مطلوب نفت، گسترش پیوندهای اقتصادی سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در اکو و نقش مشاوره‌ای ایران در سازمان کنفرانس اسلامی برای حل پاره‌ای از مسائل حاد جهان اسلام از جمله در افغانستان، عراق، فلسطین و چین قابل تأمل و اهتمام می‌باشد. شاید به جرأت بتوان گفت که تعدد پیوندهای جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های تخصصی منطقه‌ای، ایران را نقطه اتصال استراتژیک با اکو، اوپک و سازمان کنفرانس اسلامی قرار داده است.

سیستم منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران (خاورمیانه)

یکی از محورهای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه مباحث روند صلح اعراب و اسرائیل^۳ و افزایش قدرت نظامی و رقابت تسلیحاتی^۴ را در بر می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست تنش زدایی از یک سو خواهان احقاق حقوق فلسطینی‌ها و از سوی دیگر مترصد ممانعت از سیاست توسعه طلبانه اسرائیل در منطقه است. تا جایی که دو پایه مذکور سیاست منطقه‌ای ایران را مورد قبول کشورهای ذینفوذی چون عربستان سعودی و مصر نیز قرار داده است. محیط پیرامونی امنیتی جمهوری اسلامی ایران اقتضا می‌کند که این کشور نیز از یک سو به عاری کردن منطقه خاورمیانه از سلاح‌های کشتار^۵ جمعی بپردازد و از طرف اصل خودیاری^۶ مبتنی بر افزایش قدرت نظامی متعارف خود را جهت مقابله با تهدیدات احتمالی را نیز دنبال نماید. در واقع ایران همواره یکی از کشورهای ذینفوذ در تدوین و توسعه فرمول امنیتی منطقه‌ای بوده و ثبات و امنیت منطقه خاورمیانه همیشه

1. Pivotal Countries.
2. OPEC.
3. Peace Process.
4. Arms Race.
5. WMD
6. Self - Help

با ثبات و امنیت جمهوری اسلامی ایران گره خورده است.

سیستم منطقه‌ای و جمهوری اسلامی ایران (دریای خزر)

کانون‌های امنیتی و اقتصاد سیاسی امروزه، حوزه حساس و استراتژیک کشورهای منطقه خزر را نیز در بر می‌گیرد، تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و حفظ امنیت منطقه خزر مهم‌ترین چالش بین دوسوی منطقه خزر بوده است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران خواهان تعیین رژیم حقوقی دریای خزر برای نهادینه ساختن فعالیت‌های نفتی در این منطقه است، برخی کشورهای منطقه خزر کما فی‌السابق به انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی خارجی بدون تشریک مساعی با جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران خواهان اصل مشاء و برابری در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر برای بهره‌برداری نفتی از خزر است ولی کشورهای دیگر این منطقه به اصل تقسیم ملی بدون توجه به مبانی رژیم سابق حقوقی دریای خزر منعقد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) توجه نشان می‌دهند. از طرف دیگر ایران فرمول امنیتی منطقه‌ای دریای خزر را با کمک و تشریک مساعی کشورهای منطقه لازم می‌داند ولی کشورهای این منطقه ضمن انعقاد قرارداد یکجانبه امنیتی با برخی کشورهای خارجی در صدد حمایت از اصل گسترش ناتوم به سوی شرق هستند. بدیهی است که دو طیف چالش برانگیز نفت و امنیت همکاری‌های استراتژیک دو سوی دریای خزر را به مناسبات تاکتیکی مبدل ساخته و همکاری استراتژیک به همکاری تاکتیکی مبدل شده است.

فصل سوم - چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و راه کارهای آن

این نوشتار در صدد تئوریزه کردن سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه مترصد ترسیم محیط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر چالش‌ها و تعارضات شدید و ارائه راه کارهایی مناسب برای آنها است.

برای این منظور محیط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به چند منطقه تقسیم می‌شود و آنگاه علل تعارض منافع ایران با کشورهای دیگر تحلیل و ارزیابی می‌گردد. بی‌شک در تحلیل و ارزیابی رفتار، سیاست و روابط خارجی هر کشوری به انواع رهیافت‌ها و تئوری‌های مربوطه در روابط بین‌الملل استناد می‌شود ولی در اینجا به واسطه بحث تعارض منافع، رهیافت سیاست قدرت مطرح می‌شود. مهم‌ترین هدف در سیاست قدرت تعریف منافع و امنیت ملی است اما این که سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی ۲۰ سال گذشته از کدام یک از رهیافت‌های روابط بین‌الملل پیروی کرده، خود مقوله دیگری است که پردازش به آن در حوصله این نوشتار نیست.

چالش‌های ایدئولوژیک

چنانچه به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دریچه ایدئولوژی نگریسته شود، بالطبع منافع ارزشی جایگزین منافع ملی شده و سیاست، روابط خارجی نیز کاملاً ایدئولوژیک خواهد شد. بدیهی است که چالش جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه بر حسب تعارضات ایدئولوژیک و التهاب فرهنگ

سیاسی ترسیم می‌گردد. چالش سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با افغانستان تحت رهبری طالب‌ها، عراق تحت حکومت صدام حسین، عربستان سعودی تحت حکومت و ریاست وهابی‌ها، ترکیه تحت سلطه لائیک‌های آتاتورکیسم از نوع «چالش ایدئولوژیک»^۱ تعریف می‌گردد.

البته این بدان مفهوم نیست که چالش‌های موجود در سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مذکور صرفاً ایدئولوژیک بوده و فاقد تعارضات ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک است بلکه عمدتاً چالش‌های مذکور از آبشخور ایدئولوژیک و التهاب فرهنگ سیاسی نشأت می‌گیرد.

ایران بزرگ‌ترین کشور شیعه مذهب در منطقه به شمار آمده و فرهنگ سیاسی - مذهبی ایرانی‌ها با فرهنگ رادیکالیسم سنی مذهب افغانستان، وهابیت عربستان سعودی، سنی مذهب لائیک ترکیه و سنی مذهب بعثی در عراق متعارض است. کشورهای مذکور جمهوری اسلامی ایران را منبع قدرتمند متشعشع شیعه مذهب و به اصطلاح بنیادگرایی اسلامی می‌نامند و تشدید خشونت‌های مذهبی در منطقه راناشی از حمایت ایران از گروه‌های شیعه مذهب موجود در منطقه توصیف می‌کنند.

چالش‌های ژئوپولیتیک

اگر سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را از منظر ژئوپولیتیک بنگریم آنگاه تعریف جامع و کاملی از منافع و امنیت ملی خواهیم داشت. در این چارچوب ایران بازیگر عقلایی مترصد منافع و قدرت ملی تعریف می‌گردد و سیاست خارجی این کشور نیز سیاست قدرت^۲ نامیده می‌شود. بدیهی است که چالش‌های ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه براساس تعارض منافع و مبارزه برای کسب حداکثر قدرت قلمداد خواهد شد.

تعارضات ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران با کشورهای پاکستان، امارات، عراق، عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه در این زمره قرار می‌گیرد. دستیابی پاکستان به تسلیحات هسته‌ای و تعارض منافع اسلام‌آباد و تهران در افغانستان، بحران جزایر ایران و امارات، اختلافات ارضی و مرزی ایران و عراق، رقابت جهت پیشبرد قدرت هژمونیک در منطقه خلیج فارس، تعارضات تاریخی - جغرافیای سیاسی اسرائیل و ایران و چالش منافع تهران و آنکارا در آسیای میانه و قفقاز در مجموعه چالش‌های ژئوپولیتیک موجود در محیط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌گنجد.

چالش‌های ژئواکونومیک

چنانچه به سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران از چشم‌انداز اقتصاد سیاسی نفت نگریسته شود در این صورت همگرایی و واگرایی بر سر افزایش یا کاهش قیمت نفت از یک سو و تأمین امنیت جهت خروج بی‌وقفه نفت از منطقه دو پایه اصلی چالش‌های ژئواکونومیک ایران با کشورهای منطقه را تشکیل می‌دهد.

نفت و امنیت در منطقه خلیج فارس و خزر در کانون بسیار مهم و استراتژیک در اقتصاد سیاسی نفتی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. رقابت دیرینه ایران و عربستان سعودی جهت مبدل شدن به قدرت نفتی منطقه‌ای و رقابت‌های اخیر ایران با برخی کشورهای ساحلی دریای خزر جهت تعیین حدود و تدوین

1. Ideological Challenge.

2. Power Political.

و توسعه رژیم حقوقی دریای خزر چالش‌های ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران در دو منطقه خلیج فارس و خزر نشان می‌دهد.

چالش‌های ژئواستراتژیک

افزایش قدرت نظامی می‌تواند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در منطقه حساس خلیج فارس، خاورمیانه و حاشیه جنوبی آسیای میانه و قفقاز تحت الشعاع قرار دهد. علل افزایش قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به واسطه تشدید رقابت تسلیحاتی در مناطق مذکور نامید. اما این رقابت تسلیحاتی به دو شکل متعارف و غیرمتعارف نمود پیدا می‌کند.

رقابت تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس در قالب تسلیحات متعارف خلاصه می‌شود ولی دستیابی اخیر پاکستان به تسلیحات هسته‌ای، تلاش مخفیانه عراق به تسلیحات مخرب انهدام جمعی به ویژه هسته‌ای، تعدد کلاهک‌های هسته‌ای اسرائیل و پتانسیل بالقوه و بالفعل هسته‌ای در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع هم مرز با جمهوری اسلامی ایران، ایران را با تهدیدات جدی هسته‌ای مواجه ساخته است.

ایران به تنهایی با هر یک از کشورهای هسته‌ای تعارضات سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی دارد و بی‌شک کشورهای مذکور برای پیشبرد منافع خود در چارچوب سیاست قدرت از ابزارهای هسته‌ای جهت اعمال نفوذ خارجی استفاده خواهند کرد. یکی دیگر از خطرات جدی که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در منطقه تهدید می‌کند ناشی از وقوع جنگ احتمالی بین آمریکا و ایران در منطقه خواهد بود. ایالات متحده آمریکا نیز در اوایل دهه ۹۰ با عراق بر سر آزادسازی کویت به جنگ طولی‌المدت استراتژیک پرداخته است.

راه‌کارهایی جهت کاهش سطوح تعارضات موجود در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بی‌شک پردازش به راه‌کارهایی جهت تحلیل^۱ کانون‌های تعارض آمیز موجود در حوزه‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دلایل ذیل متنوع خواهد بود:

۱- نوع متدلوژی به کار گرفته شده برای تحلیل این نوع کانون‌ها؛

۲- تنوع ساختاری موجود در هر یک از این کانون‌ها.

برای تبیین و تحلیل چالش‌های ایدئولوژیک نمی‌توان از رهیافت سیاست^۲ قدرت استفاده کرد بلکه تا حدودی رهیافت ایده آلیسم و آرمان‌گرایی مبتنی بر ایدئولوژی نه پراگماتیک برای تحلیل روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با چالش‌های ایدئولوژیک مفید به نظر می‌رسد.

بی‌شک کشورهای ایدئولوژیک مترصد احیای آرمان‌هایی هستند و این آرمان‌ها به نحوی تجدید نظرطلبی را جستجو می‌کنند و در مقابل کشورهای سنت‌گرا که به حفظ وضع موجود متمایل‌اند و این خود تعارض سنت‌گرایی و تجدید نظرطلبی را به وجود آورده است و مثال بارز آن جنگ ایدئولوژیک ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در عصر جنگ سرد (به استثنای دوران تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز) بود.

1. Analytical.

2. Power Political.

اکنون که دولت جدید جمهوری اسلامی ایران خواهان پی‌گیری سیاست تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها است، این قالب سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران از حالت ایدئولوژیک به پراگماتیک سوق داده شده و هر چه عناصر دمکراسی در سیاست و خط مشی دولت جدید ایران بیشتر به چشم بخورد پس سیاست و روابط خارجی ایران نیز از پراگماتیک به دمکراتیک مبدل می‌گردد:

دمکراتیک → پراگماتیک → ایدئولوژیک

شاید به همین خاطر تز خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران بیشتر مقبول کشورهای خارجی و نظام بین‌المللی و منطقه‌ای واقع شده و به آن «صلح دمکراتیک»^۱ نام نهاده‌اند. اما این بدان مفهوم نیست که صلح دمکراتیک یعنی پشت کردن به ارزش‌های بنیادین انقلاب و نظام اسلامی تلقی شود بلکه نوعی سیاست واقع‌بینی نسبت به توانایی‌های کشورهای کشور از یک سو و ملاک قرار دادن شرایط وقت بین‌المللی و منطقه‌ای از سوی دیگر است. بی‌شک اهداف استراتژیک هرگز فراموش نخواهد شد بلکه تاکتیک‌ها به شکل دیگری در خواهند آمد.

یکی از فواید این نوع سیاست، خروج جمهوری اسلامی ایران از انزوای تحلیلی از سوی ایالات متحده بوده است. در حالی که در نظام بین‌المللی «وابستگی مقابل»^۲ مطرح است پس قطع پیوندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تمدنی با سیستم بین‌المللی و منطقه‌ای کاملاً عقلایی نخواهد بود.

در خصوص تبیین چالش‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک رهیافت رئالیسم سیاسی قدرت مطرح است. در حالی که در نظام منطقه‌ای خلیج فارس رقابت تسلیحاتی و افزایش قدرت نظامی شدت دارد، بی‌توجهی به افزایش قدرت نظامی متعارف کاملاً غیر عقلایی است ولی جمهوری اسلامی ایران باید این نگرش را فراموش نکند که در کنار افزایش قدرت نظامی، اصل دیپلماسی اعتمادسازی را نیز به همسایگان تسری دهد. به عبارت دیگر اصل دیپلماسی اعتمادسازی در کنار اصل خودیاری^۳ قرار می‌گیرد و این بهانه را از دست قدرت‌های هژمونیک بین‌المللی جهت اعمال محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری خارج می‌کند.

به عبارت کلی‌تر در حالی که جمهوری اسلامی ایران با افزایش قدرت نظامی به اصل خودیاری خویش اهتمام نشان می‌دهد زیرا افزایش قدرت نظامی «دیپلماسی بی‌صدا» جمهوری اسلامی ایران را در مقابل تهدیدات احتمالی تقویت می‌کند باید به موازات آن به دیپلماسی اعتمادسازی نیز برای جلب رضایت همسایگان بپردازد. شاید شرکت عده کثیری از مقامات عالی رتبه کشورهای اسلامی در اجلاس سران اسلامی در تهران همزمان با افزایش قدرت نظامی ایران مثال بارزی از این نوع تفکر توأم استراتژیک و دیپلماتیک باشد.

سراخر آن که برای تحلیل چالش‌های ژئواکونومیک می‌توان از رهیافت فرا کارکردگرایی مبتنی بر وابستگی مقابل، همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی بهره جست، به عبارت دیگر در حالی که جمهوری اسلامی ایران در خصوص اقتصاد سیاسی نفتی در منطقه با چالش‌هایی ژئواکونومیک روبه‌رو است و این نوع چالش‌ها بیشتر عنصر و اصل واگرایی را تقویت می‌بخشند باید به اصل همگرایی منطقه‌ای و تقویت رژیم‌های منطقه‌ای تابعه رژیم‌های بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای نیز اهتمام بورزد.

1. Democratic Peace.

2. Interdependency.

3. Self-Help.

گسترش حس همکاری در سازمان اکو، کنفرانس اسلامی و اوپک و تقویت نقش تشریک مساعی در کانون دیالوگ‌های منطقه‌ای می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در نقطه اتصال منطقه‌ای قرار دهد. اصل وابستگی متقابل کشورهای منطقه را به هم پیوند زده و بسیاری از نیازهای ملی فارغ از توانایی‌های ملی دولت‌ها است و بسیاری از آکتورهای غیردولتی از بعد مثبت به مدد و مساعدت دولت‌ها جهت تأمین نیازهای ملی آمده‌اند. بنابراین مهم‌ترین هدف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در افزایش قدرت اقتصادی افزایش سطوح تعاملات فنی، تکنولوژیکی، اقتصادی، تجاری و مالی با سازمان‌های تخصصی منطقه‌ای و بعضاً بین‌المللی بر حسب اعتبار ژئواکونومیک ایران است. منابع انرژی خزر و خلیج فارس و نقش ایران در جاده انرژی آسیای مرکزی و پایانه‌های نفتی ایران در خلیج فارس قدرت چانه‌زنی اقتصاد سیاسی نفتی جمهوری اسلامی ایران را در امور اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا بخشیده است.